

فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۴، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۵

بازنمایی زنان در ضربالمثل‌های گیلکی (گونه اشکورات)

منصور شعبانی^{*} ^۱ محمدامین صراحی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲۴، تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۴)

چکیده

ضربالمثل‌ها آینه فرهنگ هر جامعه هستند؛ از این‌رو، با بررسی آن‌ها می‌توان به درک بهتری از باورها و نگرش‌های گویشوران هر جامعه نسبت به زن و ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی مردم هر منطقه دست یافت. هدف از انجام این پژوهش، توصیف و تحلیل بازنمایی زنان در ضربالمثل‌های گیلکی (گونه اشکورات) است. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه ساخت‌یافته با شصت نفر از گویشوران اصیل گیلکی‌زبان اشکورات (اعم از زن و مرد) - که بیش از ۴۵ سال سن داشتند و چندان متأثر از زبان فارسی معیار نبودند - گردآوری شد. از آنجا که روش انجام این تحقیق توصیفی - تحلیلی است، ضربالمثل‌های گردآوری شده درباره زنان، نخست از نظر معنایی تقسیم‌بندی و توصیف و سپس به هجده مقوله تقسیم‌بندی شدند. این مقوله‌ها نشان می‌دهند که سه نوع تصویر یا بازنمایی از زنان در مثل‌ها وجود دارد که به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: الف) بازنمایی منفی، ب) بازنمایی

۱. استادیار زیان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

* shabani225@yahoo.com

۲. استادیار زیان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان

مثبت، ج) بازنمایی خشی. توزیع این بازنمایی‌ها در چارچوب گفتمان انتقادی و مطالعات فمینیستی تحلیل شد. از یافته‌های مهم پژوهش حاضر این است که در جامعه گیلکی زبان منطقه اشکورات مفهوم جنسیت به عنوان ساختاری ایدئولوژیک درک می‌شود. بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فروdstی، طبقه اجتماعی زنان فروودست شمرده می‌شود و زنان به عنوان اعضای طبقه اجتماعی فروودست بدون مزیت خاص و بیشتر نادیده گرفته می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: ضربالمثل، زبان گیلکی، تحلیل گفتمان انتقادی، جنسیت، ساختار ایدئولوژیک.

۱. مقدمه

مثل‌ها که آینه فرهنگ و بخشی از زبان و ادبیات هر جامعه هستند، به عبارات یا جملاتی گفته می‌شود که واقعیتی کلی یا تجربه را بیان می‌کنند (اناجی، ۲۰۰۸)؛ زیرا اندیشه‌ها، سنت‌ها، رسوم، باورها، ارزش‌ها و عادت‌های مردم هر جامعه در آن‌ها تبلور یافته است. از این‌رو، بسیاری بر این باورند که با مطالعه ضربالمثل‌ها می‌توان به باورهای فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی مردم جامعه دست یافت. به بیانی دیگر، برای شناخت فرهنگ و زبان هر سرزمین برسی مثل‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این برسی هم به شناخت بهتر زبان کمک می‌کند، هم در درک بهتر شیوه تفکر و خصلت گویشوران هر زبان مؤثر است.

مسئله جنسیت همواره در حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی اجتماعی، ادبیات، علوم تربیتی و غیره اهمیت دارد. به عقیده کورنوال و لیندسفارن (۱۹۹۵) اگرچه ایدئولوژی جنسیت واقعیت مهمی از حیات است؛ اما شیوه تبلور آن در فرهنگ‌های گوناگون یکسان نیست. در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، مثل‌های متعلق به زنان در بیشتر موارد انتقادی و تندر و تیز هستند و بر ویژگی‌های منفی زنان تأکید دارند (جایاوردن، ۲۰۱۴). همانند بسیاری از زبان‌ها و گویش‌ها، در زبان گیلکی نیز مثل‌هایی درباره زنان وجود دارد. هدف از انجام این مقاله بررسی تصویر زن در مثل‌های گیلکی است. از آنجاکه مثل‌ها آینه فرهنگ هر جامعه هستند، پس با کنکاش علمی در مثل‌های گیلکی می‌توانیم به درک بهتری از زبان گیلکی (گونه اشکورات)،

بازنمایی زنان در ضربالمثل‌های گیلکی

منصور شعبانی و همکار
باورها و نگرش‌های گویشوران آن نسبت به زن و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی دست یابیم. در حقیقت، از این طریق می‌توان به جایگاه و شأن زن در جامعه اشکورات دست یافت.

دیرمقدم (۱۳۹۲) در بخش مقدمه کتاب خود با عنوان رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، زبان گیلکی را - که به گروه زبان‌های شمال غربی تعلق دارد - جزو زبان‌های ایران دانسته است نه گویش‌ها. نگارندگان نیز بر این باورند که گیلکی یکی از زبان‌های محلی ایران است و گونه‌های متعددی دارد. میان این گونه‌ها تفاوت‌های آوازی، واژگانی، دستوری، معنایی و کاربردشناختی وجود دارد. از این‌رو، در پژوهش‌های زبان‌شناسی باید گونه‌ای که تحقیق بر روی آن انجام می‌شود، دقیقاً تعیین شود؛ زیرا به احتمال فراوان در گونه‌های مختلف نتایج متفاوتی حاصل خواهد شد و نمی‌توان آن‌ها را به دیگر گونه‌های همان زبان محلی تعمیم داد.

در تحقیق حاضر، مثل‌های مناطق گیلکی زبان اشکورات از جمله برخی از دهستان‌های شهرستان رودسر و املش - که تصویری از زن ارائه می‌دهند - بررسی شده است. گفتنی است در این تحقیق، تعبیر کلی اصطلاح ضربالمثل مدنظر است، به گونه‌ای که کلیشه‌ها، اصطلاحات، گفته‌ها و سخنان مشهور و حکیمانه را نیز شامل می‌شود. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که در مثل‌های زبان گیلکی (گونه اشکورات) زنان چگونه بازنمایی می‌شوند و چه تحلیلی می‌توان از آنان به دست داد.

فرضیه اصلی پژوهش این است که زبان گیلکی (گونه اشکورات) زبانی جنسیت‌گر است و در مثل‌های آن زنان بیشتر به صورت منفی بازنمایی می‌شوند. بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فرودستی، زنان در طبقه اجتماعی فرودست قرار دارند و به عنوان اعضای یک گروه اجتماعی برتری خاص ندارند و تقریباً نادیده گرفته می‌شوند. برای تأیید یا رد این فرضیه، نخست در بخش ۲، مطالعات مرتبطی که در زبان‌های دیگر انجام شده است، مرور می‌شوند. پس از آن، در بخش ۳ به روش تحقیق مقاله حاضر (شرکت‌کنندگان، شیوه گردآوری داده‌ها، شیوه توصیف و تحلیل داده‌ها) پرداخته می‌شود. در بخش ۴ ضربالمثل‌های گیلکی مربوط به زنان از نظر معنایی

تقسیم‌بندی و توصیف می‌شوند. بخش پایانی این مقاله نیز به تحلیل نتایج حاصل از توصیف داده‌ها اختصاص دارد.

۲. مروری بر مطالعات انجام شده

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در هر زبان و فرهنگی ضربالمثل‌هایی وجود دارد که به ویژگی‌های مختلف زنان اختصاص دارد. از این‌رو، در برخی از زبان‌ها پژوهش‌هایی در رابطه با تصویر زنان در مثل‌ها صورت گرفته است. برای نمونه، در زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی تحقیقات ارزشمندی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های ذوالقاری (۱۳۸۸) اشاره کرد. وی ضربالمثل‌های فارسی را در دو سطح واژگانی و نحوی بررسی و در سطح واژگان، آن‌ها را از نظر میزان کاربرد واژگان بیگانه، عامه و شکسته با تکیه بر نمونه‌گیری از کتاب‌های امثال معروف، بررسی کرده است. ذوالقاری در سطح نحوی نیز براساس روابط میان اجزای کلام و ساختمان جمله مثل‌های پژوهش را مطالعه کرده و نتایج این تحقیق را به صورت آماری با نشان دادن فراوانی هریک از موارد ارائه کرده است.

محمدپور، کریمی و معروف‌پور (۱۳۹۱) بازنمایی زن را در ضربالمثل‌های کردی سورانی بررسی کرده‌اند. آن‌ها برای واکاوی محتوایی و مفهومی، مثل‌های کردی مورد مطالعه را به مقوله‌های عمدۀ‌ای تقسیم کرده و سعی کرده‌اند در بخش نتیجه‌گیری، الگوی موضوعی را در قالب یک مدل صوری ترسیم و تفسیر کنند. موحد و دیگران (۱۳۹۱) نیز با جمع‌آوری بسیاری از مثل‌های متعلق به زنان در شهرستان لامرد، نشان داده‌اند که در این جامعه هیچ‌گونه نقش اجتماعی و یا حرفة‌ای به جز همسر و مادر بودن برای زنان در نظر گرفته نمی‌شود.

در زبان‌های غیرایرانی از جمله زبان‌های ژاپنی (استورم، ۱۹۹۲)، ایگبویی^۴ (اوها^۵، ۱۹۹۸)، عربی مراکشی^۶ و بربر^۷ (اناجی، ۲۰۰۸)، حبسی^۸، سوندایی^۹ و کنیایی^{۱۰} (حسین، ۲۰۰۹)، سینهالی^{۱۱} و فرانسوی (جاياواردا، ۲۰۱۴)، چینی (لى^{۱۲}، ۲۰۱۵)، زبان‌های آفریقایی (حسین، ۲۰۰۵)، مالزیایی^{۱۳} (همدان و رادزی^{۱۴}، ۲۰۱۴)، ترکی^{۱۵} (برون، ۲۰۰۱)، روسی (کریلینا^{۱۶}، ۱۹۹۹)، به نقل از دولسکال و اشمید^{۱۷}، ۲۰۰۱)، مراکشی (بلفاتمی^{۱۸}، ۲۰۱۳)، اکان^{۱۹}

(دیباخ و آمفو^۳، ۲۰۱۴)، انگلیسی و یوروپا^۱ (یوسف، ۱۹۹۸) نیز تصویر زن در مثل‌ها بررسی شده است.

شیپر^{۲۲} (۲۰۱۰) نیز تصویر زن را در مثل‌های زبان‌های مختلف بررسی کرده است. در این پژوهش‌ها، مثل‌ها بر اساس محتوا تقسیم‌بندی شده‌اند و درباره معانی آن‌ها با توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی بحث شده است. نتایج این پژوهش‌ها به طور کلی نشان می‌دهد که در ضربالمثل‌ها بیشتر ویژگی‌های منفی زنان بازنمایی شده است و تعداد مثل‌هایی که نگرش مثبتی را نسبت به زنان القا می‌کنند، بسیار اندک است. با وجود اینکه زنان در عرصه‌های مختلف حضوری فعالانه و نقشی مثبت و اساسی داشته‌اند؛ اما فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون این حضور و نقش را نادیده گرفته‌اند یا به دیده منفی به آن‌ها نگریسته‌اند. به بیانی دیگر، نقش‌های مثبت زنان بی‌اجرومzed، بدون ارزش و بی‌اهمیت شمرده شده است. این نوع تصاویر زنان در مثل‌ها، نشان می‌دهد که زنان در قیدوبند و تحملی بوده‌اند و با آن‌ها بدرفتاری می‌شده است. در برخی از این پژوهش‌ها اشاره شده است که زنان در مقایسه با مردانی که در همان موقعیت‌های اجتماعی قرار دارند، رتبه، شأن و منزلت اجتماعی پایین‌تری دارند. به عقیده جامعه‌شناسان فمینیست، خدمات زنان به سبب عملکرد ایدئولوژی جنسی نادیده گرفته می‌شود (ریترز، ۱۳۸۴: ۵۲۴).

همچنین، با مروری بر مطالعات انجام‌شده به این نکته پی‌می‌بریم که اگرچه همپوشی‌های فراوانی بین ضربالمثل‌های زنان در زبان‌های مختلف مشاهده می‌شود؛ اما تنها با یک چارچوب و تقسیم‌بندی معنایی نمی‌توان ضربالمثل‌های مختص زنان را در تمام زبان‌ها توصیف کرد. ضربالمثل‌های هر زبانی نیازمند تقسیم‌بندی معنایی متفاوتی است. در زبان گیلکی، مطالعات بسیار اندکی درباره مثل‌ها- در حد برگردان مثل‌ها به فارسی- انجام شده است. تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به توصیف و تحلیل مثل‌های زنان در زبان گیلکی نپرداخته است.

۳. روش تحقیق

روش انجام این پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی- تحلیلی است و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیلی موضوعی استفاده شده است. این روش در مطالعات مردم‌نگاری

یکی از پراستفاده‌ترین روش‌های تحقیق است. در این شیوه تحلیل، سعی می‌شود تا بر اساس طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و بروون‌داده‌ای به درکی تحلیلی دست یافت.

برای جمع‌آوری داده‌های این تحقیق، شصت نفر از گویشوران گیلکی‌زبان اشکورات که بی‌سواد بودند و یا تحصیلات ابتدایی پایینی داشتند، برای حجم نمونه تحقیق انتخاب شدند. سی نفر از این افراد زن و سی نفر مرد بودند و همه آن‌ها بیش از ۴۵ سال سن داشتند. علت انتخاب این دسته از افراد این بود که آن‌ها نمایندگان واقعی گیلکی اشکورات هستند؛ زیرا متأثر از زبان فارسی معیار نیستند و همچنین تک‌زبانه هستند و تنها به گیلکی اشکورات اصیل گفت‌و‌گو می‌کنند. گردآوری داده‌ها از گویشورانی که سواد کافی ندارند، سختی‌های خاصی را به همراه دارد؛ زیرا نمی‌توان از هر نوع روش میدانی بهره گرفت. برای گردآوری داده‌های این تحقیق از روش مصاحبه ساخت‌یافته استفاده شد؛ بدین صورت که نخست، محققان موقعیت‌ها و واژگان حوزه‌های مختلف را برای شرکت‌کنندگان تشریح کردند و سپس از آن‌ها خواسته شد مثل‌ها، کلیشه‌ها، اصطلاحات، گفته‌ها و سخنان مشهور و حکیمانه‌ای را که در این حوزه‌ها کاربرد دارد و گویشوران از آن‌ها در تعاملات خود بهره می‌گیرند، مطرح کنند. گفتنی است برای طرح موارد خواسته‌شده، هیچ‌گونه محدودیت زمانی برای گویشوران وجود نداشت.

در مرحله بعد، تمام مثل‌های جمع‌آوری‌شده تقسیم‌بندی معنایی شدند و محتوا و معانی آن‌ها با توجه به عوامل گوناگون فرهنگی و اجتماعی بررسی شد. همان‌گونه که در بخش پیشین گفته شد، توصیف مثل‌های هر زبانی، نیازمند چارچوب و تقسیم‌بندی معنایی نسبتاً متفاوتی است. در نهایت، تحلیلی از این مثل‌ها به دست داده شد که نمایانگر باورها و نگرش‌های گویشوران اشکورات نسبت به جایگاه، شأن و منزلت زن در جامعه آن‌هاست.

۴. تقسیم‌بندی معنایی و توصیف مثل‌های گیلکی درباره زنان

در این بخش، مثل‌های گیلکی بر اساس معنا و مفهوم تقسیم‌بندی می‌شوند و در هجده مقوله جای می‌گیرند. در این راستا، شیوه‌های گوناگون بازنمایی زنان بحث و توصیف

می‌شود. از این طریق، می‌توان به درک و شناخت مناسبی از رویکرد جامعه اشکورات نسبت به جایگاه و منزلت زنان دست یافت. تقسیم‌بندی معنایی و توصیف مثل‌ها در این بخش درون‌دادی خواهد بود. در بخش بعدی به تحلیل بازنمایی زنان پرداخته می‌شود. گفتنی است تعداد اندکی از مثل‌ها به دلیل تنوع معنایی در دو مقوله جای گرفته‌اند.

۱-۴. تصویر مثبت زنان در ضربالمثل‌ها

الف) ارزش و منزلت زنان

1. xaxur tu qajde unər tʃaʃo bazakuni!

برگردان: خواهر! از تو انتظار نمی‌رفت برای او چادرش بگیری / محل بذاری).

2. zən-ə xub ra ki dərəd ?dəm-ə nəng²³.

برگردان: زن خوب را کی دارد؟ آدم ننگ (زن خوب نصیب آدم بد می‌شود).

3. məgər ?i laku/ zən ti ?aqe masəpələ hisə zəjad bəjari?

برگردان: مگر این دختر یا زن ماست پلوی بابای تو هست که دیگر او را نخواهی!

4. laku nəje je pəllə lirə.

برگردان: دختر نگو، یک پله لیره (به دختر باکمالات گفته می‌شود).

5. ?un laku nəje je xonə?aʃərfi.

برگردان: دختر نگو، یک خونه اشرفی^{۲۴} (به دختر باکمالات گفته می‌شود).

6. ?un ſırzənak-ə.

برگردان: او شیرزن است.

7. ?i zənəkə/ laku har ?angyʃt-ə dʒi hizat tə hunər varə.

برگردان: از هر انگشت این دختر یا زن هزار هنر می‌بارد.

8. ?i laku roxonə?av hade be behtər bu ta?inə bədabe.

برگردان: این دختر رو داخل رودخانه می‌انداختی بهتر بود تا به این (مرد) می‌دادیش (حرومیش کردی).

ب) ارجحیت فرزند دختر بر پسر

9. kəsi kə laku nədaʃtəbon murdəsir-ə.

برگردان: کسی که دختر نداشته باشد، اجاقش کور است.

10. laku ta su ruz bədari de xor-ə darə.

برگردن: از فرزند دختر کافی است تا سه روز نگهداری کنی، بعدش خودش از پس کارهاش برمی‌آید.

ج) به تصویر کشیدن زیبایی و جذابیت زنان

11. ?inə xudi mah-əʃəv-ə tʃardə.
برگردن: انگار ماه شب چهارده است.

12. matiʃkə monə.
برگردن: شبیه ماتیشکا^{۲۵} است (به زن زیارو گفته می‌شود).

د) نقش عاطفی و حمایتی زنان

13. zən bəlast xudaja hitʃ xonə?i bibəla nəbaʃəd.
برگردن: زن بلاست، خدایا هیچ خانه‌ای بی‌بلا نباشد.

14. bujə madər behtər-ə taʃir-ə daje.
برگردن: بوی مادر بهتر از شیر دایه است.

15. per-ə mar mivə kəmpejda hisən.
برگردن: پدر و مادر میوه کمپیدا هستند.

16. jə nəfər-ə zən mirə kə zənxaxur nədaʃtə bon.
برگردن: زن آدمی می‌میره که خواهرزن نداشته باشد^{۲۶} (پشتیبان نداشته باشد).

17. nənə nəjəse perzən-ə həmrə ba satən.
برگردن: وقتی مادر نیست باید با زن‌بابا کنار آمد.

18. xaldʒene xonə nəjə de.
برگردن: خانه خاله که نیست.

19. ?in kələntərzənak-ə.
برگردن: این زن مثل کلانتر است (همه‌فن حریف است).

۴-۴. تصویر خنثای زنان در ضرب المثل‌ها

الف) تأکید بر جدایی قلمرو محیطی و اجتماعی زنان و مردان

20. tu məgər majnə nəji?
برگردن: تو مگر ماده (جنس مؤنث) نیستی؟

21. laku laku dʒa vətʃə vətʃə dʒa, laku buxorə kərk-ə səbədʒ-ə
vətəʃ buxorə bazar-ə kişmis-ə.

برگردان: دختر باید در جای دخترها باشد، پسر هم در جای پسرها. دختر بخوره شبیش مرغ^{۲۷} و پسر کشمکش بازار رو.

ب) اهمیت ازدواج برای زنان

22. xaxurəkə mərd-ə havas gut bərar tu xa zən noburi?

برگردان: خواهره دلش شوهر می‌خواست به بردارش می‌گفت: تو نمی‌خواهی زن بگیری؟

ج) قدرت تأثیر زن بر دیگر اعضای خانواده

23. kərbəs mixahi dorəʃ-ə nəgah kon duxtər mixahi madərʃ-ə
nəgah kon.

برگردان: پارچه دستباف می‌خواهی به دورش نگاه کن، دختر می‌خواهی به مادرش نگاه کن.

24. zən-ə xub mərd-ə tadʒ bə sər kunəd zən-ə bəd mərd-ə xak bər
sər kunəd.

برگردان: زن خوب مرد را تاج به سر می‌کند، زن بد مرد را خاک بر سر می‌کند.

25. ʃumar-ə zəjad-ə gel-ə?arus tʃakunən.

برگردان: از گل اضافه مادرشوهر عروس را خلق می‌کنند (عروس شیشه مادرشوهرش می‌شود).

۴-۳. تصویر منفی زنان در ضرب المثل‌ها

الف) گره‌زدن ارزش زن با مسائل مادی

26. qatuk bipəjaz xub nəje laku bidʒəhaz xub nəje.

برگردان: خورشت بدون پیاز خوب نیست، دختر بدون جهیزیه خوب نیست.

27. ?arus-ə bidʒəhaz bobə.

برگردان: انگار عروس بی جهیزیه شده است.

28. xəjli dʒəhaz-ə xubi bəjardi runəma həm xani?

برگردان: خیلی جهیزیه خوبی آوردى، رونما هم می‌خواهی؟

این مثل در توصیف موقعیتی گفته می‌شود که فردی کار خوبی نکرده است و انتظار تمجید هم دارد.

ب) ترغیب مردان به کترل کردن زنان و تسلطداشتن بر آنان

29. pəsər-ə toər ?agər dumə daştı ?arús bedi xo ?abro tʃakonə həft-ə həstı.

برگردان: تبر پسر اگر دسته داشت، مگر عروس می‌توانست ابروی خودش را به صورت هشتی (کمانی) درست کند؟

30. xone men kə zən rə?is bobun ... / har xone men kə zən rə?isə ...

برگردان: در خانه‌ای که زن رئیس باشد / در هر خانه‌ای که زن رئیس است

ج) زنان به مثابه موجوداتی شرور، حیله‌گر و طماع

31. məkr-ə zənan, hile jə zənan bar-ə həft xər kərdən bazəm nəmitunestən bəbərən.

برگردان: مکر زنان، حیله زنان را بار هفت خر کردند، باز هم نمی‌توانستند بیرند.

32. meli ta nokonə haſon vaſon nəre nudonə bə kuraſon.

برگردان: تا سگ ماده (اشاره به زن) ابراز تمایل نکند، نر نمی‌داند باید به کدام سمت رفت (نظرش به طرف او جلب نمی‌شود).

33. zən bəlast xudaja hitʃ xonə?i bibəla nəbaſəd.

برگردان: زن بلاست، خدایا هیچ خانه‌ای بی‌بلا نباشد.

34. zən qəm ?ast ?ab-ə dərja bəraje zən kəm ?ast.

برگردان: زن غم است، آب دریا برای زن کم است (اشاره به زیاده‌خواهی زن).

35. ?i zənəkə suvər-ə pəjadə kunə, pəjadə?avarə.

برگردان: این زن سواره را پیاده می‌کند، پیاده را آواره (اشاره به زرنگی و حیله‌گری زن).

36. zən ?agər xub be ?imom həsən-ə vəfa gudə ndbo.

برگردان: زن اگر خوب بود، به امام حسن^(ع) وفا می‌کرد.

37. ?u pirzənəkə je ?adžuzə?i hisə.

برگردان: این پیروزنه یه عجوゼه‌ای هست.

38. nənə nəjəse perzən-ə həmrə ba satən.

برگردان: وقتی مادر نیست باید با زن‌بابا کنار آمد.

د) دشمنی و حسادت بین زنان

39. ?avise ?avise xun je tʃal ſun amməʃubərarzən ſubərarzən-ə xun
je tʃal noʃun.

برگردان: خون دو تا هُوُ توی یه گودال می‌رود؛ اما خون دو تا جاری توی یه گودال نمی‌رود (آب دو تا هُوُ توی یک جوی می‌رود؛ اما آب دو تا جاری توی یک جو نمی‌رده).

40. ?arus dʒəhaz nədarə təqsir-əʃumar darə.

برگردان: عروس جهیزیه ندارد، تعصیر مادرشوهر است (اشاره به اینکه فردی اشتباهاش را به گردن دیگران می‌اندازد).

41. ſumar kultaru həm bobun xo kar-ə kunə.

برگردان: مادرشوهر جاروی روی کول هم که باشد (ناتوان باشد)، کار خود را می‌کند.

42. ?ujəʃumar tʃiʃm bəne?

برگردان: اونجا (وقتی گلکاری جایی از دیوار ایراد دارد) را برای چشم مادرشوهر گذاشتی؟

این مثل را در توصیف کاری می‌گویند که عروس درست انجام نداده است و ممکن است انتقاد مادرشوهر را برانگیزد.

43. ſəns bəjardim tu ſumar/ ſuxaxur nəbe.

برگردان: شانس آوردهیم تو خواهرشوهر یا مادرشوهر نشای.

ه) زنان به مثابه موجوداتی ضعیف، آسیب‌پذیر و شکننده

44. xudaja hitʃ zəni bədar bisərpəna nobun.

برگردان: خدایا نگذار هیچ زنی بدون سرپناه (اشاره به شوهر) باشد.

45. bar-ə ba təng bədarə zən-ə ba mərd bədarə.

برگردان: بار را باید تنگ (طنابی که با آن بار را می‌بندند) نگه دارد، زن را مرد.

46. zən-ə ba mərd bədarə?təʃ-ə gərd.

برگردان: زن را باید مرد نگه دارد، آتش را خاکستر.

47. dah tə laku darə?unər sədəqə vadʒibə.

برگردان: ده تا دختر دارد به او صدقه می‌رسد.

48. zənakon-ə moson kar nokon.

برگردان: مثل زن‌ها کار نکن.

49. dətər-ə vətʃə de.

برگردان: فرزند دختر است دیگر (انتظار کار سنگین را نباید از دختر داشت).

و) تأکید دیدگاه جامعه درباره ناکامی و بی کفایتی زنان

50. ?arus gavduʃ nobu gut super-əsər-ə dʒir dʒor darə.

برگردان: عروس نمی توانست گاؤ بدشود، می گفت طولیه پدرشوهر بالا و پایین دارد (ناهموار است).

51. zən-ə kətʃəl-ə bogotən ti sər-ə boʃurdi? bogut dutə həm bogudəm.

برگردان: به زن کچل گفتند سرت را شستی؟ گفت: حتی دو تا گیس هم بافته ام. اشاره به کسی که به ضعف خود اقرار نمی کند و حتی از آن به عنوان نقطه قوت خود یاد می کند.

52. kenə du tə bobun xak ta zone.

برگردان: کدبانو که دو تا باشد خاک تا زانوست.

53. bəhar-ə həva laku midʒaz-ə.

برگردان: هوای بهار مثل مزاج دخترهاست (متغیر است).

ز) به تصویر کشیدن ظاهر فیزیکی نامناسب و بدقيافه بودن زنان

54. ?inəxudi dʒənd-ə peri.

برگردان: انگار جن است (به زن بدقيافه گفته می شود).

55. zən ?agər xub be je tə tʃepir kəm nobonabo.

برگردان: زن اگر خوب بود استخوان فکش کم نبود (زن ناقص الخلقه است).

56. xejli kyn-ə xubi dari hələ sanə tumon həm dogudi?

برگردان: خیلی باسن خوبی داری، دامن اعلا هم پوشیدی؟ به کسی گفته می شود که کار خوبی انجام نداده است؛ اما به آن افتخار می کند و انتظار تمجید هم دارد.

ح) در گیر بودن زنان در مسائل پیش پا افتاده، غیر منطقی و ابلهانه از قبلی پر حرفی

57. məgər zənakon tas-ə hamom gom ?agudən?

برگردان: مگر زن ها تاس حmom گم کرده اند؟

در توصیف موقعیتی شلوغ و پرسرو صدا گفته می شود.

58. zənənə mətʃə.

برگردان: به مردی گفته می شود که ویژگی های رفتاری زنانه مانند خاله زنکی دارد.

59. zənakon/ pirzənakon-ə moson həmetfi dʒi xanə sər dər bəjarə.

برگردان: مثل زن‌ها / پیرزن‌ها می‌خواهد از همه چیز سر دریاورد.

60. zənakon ?adəm-ə məqz-ə xorən.

برگردان: زن‌ها مغز آدم را می‌خورند (اشارة به پرحرفی زنان).

61. zənənə gəv nəzən.

برگردان: حرف زنانه نزن.

62. pirzənakon-ə moson myr myr nokon.

برگردان: مثل پیرزن‌ها غرغیر نکن.

63. mari kə xo laku dʒi tarif bokunə bə dərd-ə xəldzini pəsər xorə.

برگردان: دختری که مادرش از او تعریف کند، به درد پسرخاله‌اش می‌خورد.

ط) بی‌اهمیت جلوه‌دادن زنان و هم‌تراز کردن آنان با اشیا و مادیات

64. maʃəle ti fi bu xuʃ?adən ?ame fi nobu?

برگردان: خاله مال تو بود بوسیدنش هم مال ما نبود؟ (حتی خیر کوچکی از چیزی که داری نباید به ما می‌رسید?).

65. maʃəle kyn neəsəng neəba torazu.

برگردان: باسن خاله هست و سنگ هست و ترازو (همه‌چیز برای شروع کار مهیاست).

ی) زنان به مثابه موجوداتی بی‌ارزش و ناقص

66. nəmaz-ə sub subhanella nədarəd zən-ə bivə mobarəkbad

nədarəd.

برگردان: نماز صبح سبحان الله ندارد، زن بیوه مبارک باد ندارد.

67. fələnkəse de konə tazə?adət bogode.

برگردان: فلان کس دیگه به کنه و تازه (اشارة به زن) عادت کرده است.

68. je tə mərd-ə rə həft tə zən vadʒib-ə.

برگردان: برای یک مرد هفت تا زن واجب است.

69. zən ?agər xub be je tə tʃepir kəm nobonabo.

برگردان: زن اگر خوب بود استخوان فکش کم نبود (زن ناقص‌الخلقه است).

70. xejli kyn-ə xubi dari hələ sanə tumon həm dogudi.

برگردان: خیلی باسن خوبی داری دامن اعلا هم پوشیدی؟ (به کسی گفته می‌شود که کار خوبی انجام نداده است، اما به آن افتخار می‌کند و انتظار تمجید هم دارد).

71. ?arus-ə mynkutul bobe.

برگردان: مثل عروسی شده است که وسط مجلس عروسی ول می‌گردد (اشاره به آدمی که جلو دست و پا را می‌گیرد).

72. bivəzəne-k-əm runəma?

برگردان: زن بیوه هم رونما؟

ک) استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در توصیف زنان

در زبان گیلکی نام دو حیوان (سگ ماده و اسب ماده) منحصرًا برای زنان به کار می‌رود و کاربرد هر دوی آن‌ها به صورت اصطلاحات توهینی است. درجه توهین ویژگی‌هایی که به زنان نسبت داده می‌شود به مراتب بالاتر از ویژگی‌هایی است که از طریق نام دیگر حیوانات منحصرًا به مردان نسبت داده می‌شود.

73. maden-ə monə.

برگردان: مثل اسب ماده است.

74. mele monə.

برگردان: مثل سگ ماده است.

ویژگی‌های نسبت داده شده به زنان از طریق نام این دو حیوان با وجود اندکی تفاوت تقریباً یکسان است. مَدِن (اسب ماده) در توصیف زنی به کار می‌رود که بی‌عفت است و مِلی (سگ ماده) هم در توصیف زنی به کار می‌رود که بددهن یا بدکاره است.

۵. تحلیل

توصیف داده‌ها در بخش پیشین نشان می‌دهد که سه نوع تصویر یا بازنمایی (منفی، مثبت و خشی) از زنان در ضرب المثل‌های گیلکی وجود دارد. گفتی است از هجده مقوله معنایی، چهار مقوله تصویری مثبت، سه مقوله تصویری خشی و یازده مقوله تصویری منفی از زنان ارائه شده است (اعداد داخل پرانتز فراوانی مثلاً را در هر مقوله نشان می‌دهد):

الف) بازنمایی مثبت زنان در مثلاً: ارزش و منزلت زنان (۸)، ارجحیت فرزند دختر بر پسر (۲)، زیبایی و جذابیت زنان (۲)، نقش عاطفی و حمایتی زنان (۷). نوزده

بازنمایی زنان در ضربالمثل‌های گیلکی

منصور شعبانی و همکار

ضربالمثل که ۲۵/۶۷٪ از ضربالمثل‌های گیلکی درباره زنان را تشکیل می‌دهد، به بازنمایی مثبت زنان اختصاص دارد.

(ب) بازنمایی خنثی زنان در مثل‌ها: تأکید بر جدایی قلمرو زیستی و اجتماعی زنان و مردان (۲)؛ اهمیت ازدواج برای زنان (۱)؛ قدرت تأثیر زن بر دیگر اعضای خانواده (۳). شش ضربالمثل که ۸/۱۰٪ از مثل‌های گیلکی درباره زنان را تشکیل می‌دهد به بازنمایی خنثی زنان اختصاص دارد. برای مثال می‌توان به ضربالمثل شماره ۲۱ اشاره کرد که در زیر تکرار شده است:

75. laku laku dʒa vətʃə vətʃə dʒa, laku buxorə kərk-ə səbədʒ-ə
vətəʃ buxorə bazar-ə kiʃmiʃ-ə.

برگردان: دختر باید در جای دخترها باشد، پسر هم در جای پسرها. دختر بخوره شیش مرغ پسر کشمکش بازار رو.

این مثل مرز بین زن و مرد بودن را بدون در بر داشتن بار عاطفی خاصی نشان می‌دهد و از این رو، به عنوان گونه‌ای خنثی در نظر گرفته می‌شود.

(ج) بازنمایی منفی زنان در ضربالمثل‌ها: گره‌زدن ارزش زن با مسائل مادی (۳)؛ ترغیب مردان به کترل کردن و تسلط داشتن بر زنان (۲)؛ زنان به مثابه موجوداتی شرور، حیله‌گر و طماع (۸)؛ دشمنی و حسادت بین زنان (۵)؛ زنان به مثابه موجوداتی ضعیف، آسیب‌پذیر و شکننده (۶)؛ تأکید دیدگاه جامعه درباره ناکامی و بی‌کفایتی زنان (۴)؛ به تصویر کشیدن ظاهر فیزیکی نامناسب و بدقيافه بودن زنان (۳)؛ درگیر بودن زنان در مسائل پیش‌پافتاده، غیرمنطقی و ابلهانه همچون پرحرفی (۷)؛ بی‌اهمیت جلوه‌دادن زنان و هم‌تراز کردن آنان با اشیا و مادیات (۲)؛ زنان به مثابه موجوداتی بی‌ارزش و ناقص (۷)، استعاره‌های مبنی بر نام حیوانات در توصیف زنان (۲). ۴۹ ضربالمثل که ۶۶/۲۱٪ از مثل‌های گیلکی درباره زنان را تشکیل می‌دهد، به بازنمایی منفی زنان می‌پردازد.

نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده بر روی ضربالمثل‌های زنانه دیگر زبان‌ها از جمله زبان‌های ژاپنی (استورم، ۱۹۹۲)، ایگبوی (اوها، ۱۹۹۸)، عربی مراکشی و برب (إناجي، ۲۰۰۸)، حبشی، سوندایی و کنیایی (حسین، ۲۰۰۹)، سینهالی و فرانسوی (جایاوردن، ۲۰۱۴)، چینی (لى، ۲۰۱۵)، زبان‌های آفریقا (حسین، ۲۰۰۵)، مراکشی (بلغاتمی،

۲۰۱۳)، اکان (دیباخ و آمفو، ۲۰۱۴)، انگلیسی و یوروپا (یوسف، ۱۹۹۸) و غیره همسو است. همه این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در بیشتر مثلاً نگرش منفی نسبت به زنان وجود دارد و تعداد مثل‌هایی که در آن‌ها ویژگی‌های مثبت و خنتای زنان بازنمایی شده است، بسیار اندک هستند.

همان‌گونه که بیان شد، متخصصان رشته‌های مردم‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی، تجزیه و تحلیل گفتمان و مطالعات فمینیستی تاکنون مطالعات متعددی انجام داده‌اند (نک: لیکاف^{۲۸}، ۱۹۷۳؛ اسپندر^{۲۹}، ۱۹۸۰؛ تانن^{۳۰}، ۱۹۹۰؛ گودارد و پرسون^{۳۱}، ۲۰۰۰؛ اسپیر^{۳۲}، ۲۰۰۵؛ ۲۰۰۲). همگی این پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که زنان و مردان زبان را به گونه‌های متفاوتی به کار می‌برند. این تفاوت‌ها را تقریباً در تمام حوزه‌های زبانی می‌توان مشاهده کرد؛ اما در حوزه واژگان و اصطلاحات بیشتر مشاهده می‌شوند. به عقیده اسپیر (۲۰۰۵): ۲۰، عقاید عامه در رابطه با سبک کلامی مردانه و زنانه، ریشه محکمی دارد و تا حد زیادی جایگاه اجتماعی زنان و مردان را تعیین می‌کند. در پژوهش حاضر نیز به تبعیت از لازار^{۳۳} (۲۰۰۷)، از رویکردهای تجزیه و تحلیل انتقادی و مطالعات فمینیستی استفاده می‌شود تا بتوان روابط پیچیده قدرت و ایدئولوژی را که به دلیل نوع نگرش گویشوران در رابطه با جنسیت امری کاملاً بدیهی در نظر گرفته می‌شود، به بحث و چالش کشید و بدین‌وسیله روابط میان زن و مرد را بر اساس تفکرات این گویشوران به روشنی نشان داد. به همین منظور، در پژوهش حاضر، شماری از ضربالمثل‌های زنانه جامعه گیلکی زبان منطقه اشکورات در قالب تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی جمع‌آوری و تحلیل شدند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد از سه نوع بازنمایی که از تحلیل ضربالمثل‌های زبان گیلکی منطقه اشکورات به دست آمد، در ۶۶٪/۲۱ آن‌ها، زن چهره‌ای منفی در نظر گرفته می‌شود. به عقیده اسپندر (۱۹۸۰: ۲۰)، معنا در بافت اجتماعی ساخته می‌شود که زبان نیز جزئی از آن است. وی معتقد است نگرش منفی نسبت به زنان به دلیل نوع کلماتی نیست که زنان به کار می‌برند، بلکه به این دلیل است که زنان در فضای معنایی منفی قرار دارند. بسیاری از عقاید رایج درباره زنان و مردان بر این باور استوار شده است که بسیاری از اصطلاحات و ضربالمثل‌هایی که در رابطه با زنان و مردان به کار

برده می‌شود و آن‌ها را در فضای مثبت و یا منفی قرار می‌دهد، نتیجهٔ مستقیم تفاوت‌های بیولوژیکی میان دو جنسیت مؤنث و مذکر است؛ اما مطالعات اخیر درباره رابطهٔ میان زبان، جنسیت و قدرت (برای مثال: لازار، ۲۰۰۷) ثابت کرده است که جنسیت به عنوان یک طبقهٔ اجتماعی با دیگر طبقات هویت اجتماعی مانند قومیت، سن، موقعیت اجتماعی، توانایی و یا عدم توانایی و حتی مکان جغرافیایی ارتباط تنگاتنگی دارد و همهٔ این عوامل در کنار یکدیگر جایگاه اجتماعی و روابط قدرتی را تعریف می‌کنند.

از میان ۴۹ ضربالمثلی که بازنمایی منفی از زن ارائه می‌دهد، بیشترین موارد به ضربالمثل‌ای اختصاص دارد که زنان را به مثابهٔ موجوداتی شرور، حیله‌گر و طماع معروفی می‌کند. نکتهٔ قابل تأملی که در این مثل‌ها وجود دارد، این است که در فرهنگ ایرانی و همچنین بسیاری از فرهنگ‌های اروپایی، زنان موجوداتی هستند که می‌توانند نیروهای شیطانی، سیاهی، و بیماری را کنترل کنند (گروشوکو و مدووف، ۳۳: ۹۷). به همین دلیل در بیشتر این فرهنگ‌ها زن واسطه‌ای بین خدایان باستانی و همسر یا مردان دیگر است. این نکتهٔ می‌تواند توجیه مناسبی برای نسبت‌دادن شرارت، حیله‌گری و جادو به زنان باشد. احتمال دارد این مثل‌ها از طریق مبادلات فرهنگی و یا ترجمه وارد زبان گیلکی شده باشد. برای مثال، ضربالمثل شماره ۳۱ که در زیر تکرار شده است، با بار معنایی کاملاً منفی برای اشاره به حیله‌گری و شرارت زنان در منطقهٔ اشکورات به کار برده می‌شود.

76. məkr-ə zənan, hile jə zənan bar-ə həft xər kərdən bazəm nəmitunestən bəbərən.

برگردان: مکر زنان، حیله زنان را بار هفت خر کردن، باز هم نمی‌توانستند ببرند. همچنین، در شماری از این مثل‌ها زنان موجوداتی بی‌ارزش و ناقص معروفی شدند که در گیر مسائل پیش‌پالافتاده، غیرمنطقی و ابلهانه از قبیل پرحرفی هستند. برای مثال مثل شماره ۶۰ که در زیر تکرار شده، از این جمله است:

77. zənakon ?adəm-ə məqz-ə xorən.

برگردان: زن‌ها مغز آدم را می‌خورند.
این مثل برای اشاره به پرحرفی زنان با بار معنایی کاملاً منفی به کار برده می‌شود. بسیاری از فمینیست‌ها (برای مثال، سلرز، ۳۵، ۱۹۹۱) معتقدند که زبان‌ها به گونه‌ای رشد

کرده‌اند که پاسخ‌گوی نیاز مردان هستند و وقتی نوبت به زنان می‌رسد، به‌سبب نقصان واژگان مناسب، مجبور می‌شوند مطالب را بیشتر توضیح دهنند که از دید مردان به صورتی تقریباً جهانی پرحرف درنظر گرفته می‌شوند.

نکته قابل تأمل این است که بر اساس گفته لازار (۱۴۶: ۲۰۰۵)، در تمام جوامع مفهوم جنسیت ساختاری ایدئولوژیک دارد که براساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فروdstی، مردم به دو طبقه اجتماعی تقسیم می‌شوند که مردان در طبقه اجتماعی برتر و زنان در طبقه اجتماعی پایین‌تر قرار دارند و مواد آن در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت فرق می‌کند. جامعه گیلکی زبان اشکورات از این قاعده مستثنی نیست. نتایج این تحقیق نظم اجتماعی مردسالارانه‌ای را در جامعه اشکورات نشان می‌دهد که در آن روابط قدرتی به مردان به عنوان اعضای یک گروه اجتماعی برتری می‌دهد و زنان را به عنوان اعضای گروه اجتماعی دیگری تقریباً نادیده و بدون مزیت خاصی در نظر می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، ضربالمثل‌های گیلکی درباره زنان از نظر معنایی به هجده مقوله تقسیم‌بندی شدند. این مقوله‌ها نشان می‌دهند که سه نوع تصویر یا بازنمایی از زنان در مثل‌ها وجود دارد که به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: الف) بازنمایی منفی، ب) بازنمایی مثبت، ج) بازنمایی خنثی. توزیع این بازنمایی‌ها در چارچوب تحلیل گفتمنان انتقادی و مطالعات فمینیستی تحلیل شد تا بتوان در ک عمق‌تری از کارکردهای پیچیده قدرت و ایدئولوژی را در گفتمنان و روابط اجتماعی جامعه گیلکی زبان منطقه اشکورات که بر اساس جنسیت شکل گرفته‌اند، نشان داد. تحلیل صورت گرفته نشان می‌دهد که در جامعه گیلکی زبان منطقه اشکورات مفهوم جنسیت ساختاری ایدئولوژیک دارد. بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فروdstی، طبقه اجتماعی زنان فروdst شمرده می‌شود و زنان به عنوان اعضای یک طبقه اجتماعی فروdst است اغلب نادیده و بدون مزیت خاصی در نظر گرفته می‌شوند. این نتایج تا حدی یافته‌های موحد و همکاران (۱۳۹۱)، مبنی بر مردسالارانه بودن بسیاری از جوامع سنتی ایران را تأیید می‌کند. همچنین، به نظر می‌رسد که محمدپور و همکاران (۱۳۹۱) نیز با تحلیل موضوعی

بازنمایی زنان در ضربالمثل‌های گلکی

منصور شعبانی و همکار

داده‌های خود به نتایجی رسیده‌اند، از جمله اینکه زن به مثابه سوژه‌ای غیرعقلانی، فروdest و البته توانمند و شخصیتی معماگونه است که با نتایج تحقیق حاضر مشابه فراوانی دارد.

در هر صورت باید این نکته را فراموش کرد که احتمال بسیار زیادی وجود دارد که تعدادی از ضربالمثل‌های نقل شده در این پژوهش ماهیتی عام داشته باشند که دلیل آن را می‌توان به این حقیقت پیوند داد. همان‌گونه که ذوق‌فاری معتقد است گاه از یک مثل با تغییر واژگان ده‌ها شکل دیگری دیده می‌شود. تغییر کلیدواژه‌ها به تغییر اقلیم، شرایط فرهنگی و جغرافیایی مسائل زبانی و اجتماعی و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد.

ضربالمثل‌ها از جمله مواد زبانی هستند که سبب غنای هر زبان می‌شوند؛ اما باید به این نکته نیز توجه کرد که ارتباط میان جنسیت و زبان همیشه در حال تغییر است و بیشتر پاسخ‌گوی شیوه‌های فکری است که روابط جنسیتی را تعیین می‌کند. بنابراین انجام تحقیق مشابه در مکان‌ها و یا زمان‌های دیگر احتمالاً نتایج دیگری را در پی خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

1. Ennaji
2. Jayawardena
3. storm
4. Igbo
5. Oha
6. Moroccan Arabic
7. Berber
8. Ethiopian
9. Sundanese
10. Kenyan
11. Sinhalese
12. Lee
13. Malay
14. Hamdan and Radzi
15. Braun
16. Kirilina
17. Doleschal and Schmid
18. Belfatmi

19. Akan
 20. Diabah and Amfo
 21. Yoruba
 22. Schipper

۲۳. تعداد اندکی از ضربالمثل‌ها مانند همین ضربالمثل به زبان فارسی رایج هستند، البته با لهجه گیلکی به کار برده می‌شوند.
 ۲۴. نوعی سکه طلا
 ۲۵. این واژه در گیلکی معنای مثبت را القا می‌کند.
 ۲۶. معمولاً کسی که زنش فوت می‌کرد با خواهرزن ازدواج می‌کرد و این امر پشتونهای برای او شمرده می‌شد. داشتن خواهرزن خوش‌شانسی و نداشتن آن بدشانسی است.
 ۲۷. بالعکس این هم رایج است.

28. Lakoff
 29. Spender
 30. Tannen
 31. Goddard & Patterson
 32. Speer
 33. Lazar
 34. Grushko & Medvedev
 35. Sellers

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج. اول. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). «بررسی ضربالمثل‌های فارسی در دو سطح واژگانی و نحوی». *فنون ادبی*. س. ۱. ش. ۱. صص ۵۷-۸۰.
- ریترز، جورج (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- محمدپور، احمد و دیگران (۱۳۹۱). «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضربالمثل‌های کردی (مورد مطالعه: گویش سورانی- مکریانی)». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره ۴. ش. ۳. صص ۶۵-۸۳.
- موحد، محمد و دیگران (۱۳۹۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از ضربالمثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس». *زن در فرهنگ و هنر*. س. ۴. ش. ۲. صص ۱۰۵-۱۲۴.
- Baker, Paul (2011). "Discourse and Gender". ed. Ken Hyland and Paltridge Brian. *The Continuum Companion to Discourse Analysis*. London: Continuum.

- Belfatmi, M. (2013). "The Representation of Women in Moroccan Proverbs". *IOSR Journal Of Humanities And Social Science*. vol. XVIII. Issue 1. pp. 15-21.
- Braun, F. (2001). "The Communication of Gender in Turkish". *Gender Across Languages*. eds. M. Hellinger & H. Bussmann. Vol. I. pp. 283-310. John Benjamins Publishing Company, Amsterdam/Philadelphia.
- Cornwall, A. & N. Lindisfarne (1995). "Feminist Anthropologies and Questions of Masculinity". *The Future of Anthropology: Its Relevance to the Contemporary World*. eds. A. Ahmed & C. Shore. pp. 134-157. London & Atlantic Highlands: The Athlone Press.
- Diabah, G. & N. A. A. Amfo (2014). "Caring Supporters or Daring Usurpers? Representation of Women in Akan Proverbs". *Discourse & Society*. vol. XXVI (1). pp. 3-28.
- Doleschal, U. & S. Schmid (2001). "Doing Gender in Russian". *Gender Across Languages*. eds. M. Hellinger & H. Bussmann. vol. I. pp. 253-282. John Benjamins Publishing Company, Amsterdam/Philadelphia.
- Ennaji, M. (2008). "Representations of Women in Moroccan Arabic and Berber Proverbs". *International Journal of the Sociology of Language*. no.190. pp. 167-181. doi: 10.1515/IJSL.2008.017.
- Goddard, A. & L.M. Patterson (2000). *Language and Gender*. London: Routledge.
- Grushko, E. A. & Y. M. Medvedev (2003). *Myths and Legends of Old Russia*. Moscow: Eksmo.
- Hamdan, R. & S. Radzi (2014). "Gender Perspective in Malay Proverbs". *Middle-East Journal of Scientific Research*.no. 22 (1). pp. 99-106.
- Hussein, J. W. (2005). "The Social and Ethno- cultural Construction of Masculinity and Femininity in African proverbs". *African Study Monographs*. No. XXVI(II). pp. 59-87.
- ----- (2009). "A Discursive Representation of Women in Sampleproverbs from Ethiopia, Sudan, and Kenya". *Research in AfricanLiteratures*. no. 40(3). pp. 96-108.
- Jayawardena, H.S.M.M. (2014). "Representation of Women in Sinhala and French Proverbs". *Proceedings of the Peradeniya University. International Research Sessions*. Sri Lanka. vol. XVIII.
- Kirilina, Alla V. (1999). "Russkie poslovicy i pogovorki: ne tol'ko androcentrism". [Russian proverbs and idioms: not only androcentrism]. *Vestnik Tambovskogo Universiteta. Serija Gumanitarnye Nauki* 1999. no. 2. pp. 41-47.
- Lakoff, R. (1977). "Language and Woman's Place". *Language in Society*. no. 2:1. pp. 45-79.
- Lazar, Michell M. (2005). *Feminist Critical Discourse Analysis: Gender, Power and Ideology in Discourse*. New York: Palgrave MacMillan.
- ----- (2007). "Feminist Critical Discourse Analysis: Articulating a Feminist Discourse Praxis". *Critical Discourse Studies*. no. 4:2. pp. 141- 164.

- Lee, J. (2015). "Chinese Proverbs: How Are Women and Men Represented?". *Multidisciplinary Journal of Gender Studies*. no. 4 (1). pp. 559- 585. doi: 10.4471/generous. 2015. 47.
- Oha, O. (1998). "The Semantics of Female Devaluation in Igbo Proverbs". *African Study Monographs*. no. 19(2). pp. 87-102.
- Schipper, M. (2010). *Never Marry a Woman with Big Feet: Women in Proverbs from Around the World*. Leiden university press.
- Sellers, S. (1991). *Language and Sexual Difference: Feminist Writing in France*. London: Macmillan.
- Speer, S. A. (2005). *Gender talk: Feminism, Discourse and Conversational Routledge. Analysis*. London:
- ----- (2002). "Sexist Talk: Gender Categories, Participants' Orientations and Irony". *Journal of Sociolinguistics*.no. 6(3). pp. 347- 377.
- Spender, D. (1980). *Man Made Language*. London: Routledge.
- Storm, H. (1992). Women in Japanese Proverbs. *Asian Folklore Studies*. no.51. pp.167-182.
- Tannen, D. (1990). *You Just Don't Understand! Women and Men in Conversation*. London: Virago.
- Yusuf, Yisa K. (1998). "Gender Bias and Images of Women in English and Yoruba Proverbs". *Gender Perceptions and Development in Africa*. Lagos. ed. M. M. E. Kolawole. pp. 63-81. Aarobon Academic Publishing.